**سیره و سیماى امام محمّد باقر (علیه السلام(**

حضرت امام محمّد باقر (علیه السلام) اوّل ماه رجب، یا سوم صفر سال 57 هجرى قمرى در مدینه متولّد گردید.

پدر بزرگوارش، حضرت على بن الحسین، زین العابدین (علیه السلام)، و مادر مكرّمه اش، فاطمه معروف به «امّ عبدالله» دختر امام حسن مجتبى می باشد.

از این رو، آن حضرت از ناحیه پدر و مادر به بنی هاشم منسوب است. شهادت امام باقر (علیه السلام) در روز دوشنبه 7 ذیحجّه سال 114 هجرى قمرى در 57 سالگى، به دستور هشام بن عبدالملك خلیفه اموى، به وسیله خوراندن سمّ، اتّفاق افتاد و مزار شریفش در مدینه در قبرستان بقیع می باشد. آن حضرت یكى از اطفال اسیر فاجعه كربلا می باشد كه در آن وقت سه سال و شش ماه و ده روز از سنّ مباركش گذشته بود.

حضرت باقر (علیه السلام) به علم و دانش و فضیلت و تقوا معروف بود و پیوسته مرجع حلّ مشكلات علمى مسلمانان به شمار می رفت. وجود امام محمّد باقر (علیه السلام) مقدّمه اى بود براى اقدام به وظایف دگرگون سازى امّت. زیرا مردم، او را نشانه هاى فرزند كسانى می شناختند كه جان خود را فدا كردند تا موج انحراف ـ كه نزدیك بود نشانه هاى اسلام را از میان ببرد ـ متوقّف گردد.

آنان از این رو قربانى شدند تا مسلمانان بدانند كه حكّامى كه به نام اسلام حكومت می كنند، از تطبیق اسلام با واقعیت آن به اندازه اى دورند كه مفاهیم كتاب خدا و سنّت رسول اكرم (صلى الله علیه وآله وسلم) در یك طرف قرار دارد و آن حاكمان منحرف در طرف دیگر. امام باقر (علیه السلام) بر آن شد تا انحراف حاكمان و دورى آنان از حقایق اسلام را به مردم بفهماند و براى مسلمانان آشكار سازد كه چنان امورى تحقّق یافته است. هشام بن عبدالملك خلیفه نابكار اموى وقتى به امام (علیه السلام) اشارت می كند و می پرسد كه این شخص كیست؟ به او می گویند او كسى است كه مردمِ كوفه شیفته و مفتون اویند.

این شخص، امام عراق است. در موسم حجّ، از عراق و خراسان و دیگر شهرها، هزاران مسلمان از او فتوا می خواستند و از هر باب از معارف اسلام از او می پرسیدند. این امر اندازه نفوذ وسیع او را در قلوب توده هاى مردم نشان می داد.

از سوى فقیهان بزرگ كه وابسته به حوزه هاى فكرى و علمى بودند، مسائل دشوار در محضر او مطرح می شد و گفتگوهاى بسیار با امام به عمل می آمد، از او پاسخ می خواستند تا امام را در تنگنا قرار دهند و در مقابل مردم او را به خاموشى وادارند، ولى آن حضرت با پاسخ هاى قانع كننده و مستدلّ و محكم خود آنان را به اعجاب وا می داشت.

حوزه علمى او براى صدها دانشمند و محدّث كه تربیت كرده بود، پایگاهى مهّم به شمار می آمد. جابر جعفى گوید: «ابوجعفر هفتاد هزار حدیث براى من روایت كرد.» و محمّد بن مسلم گوید: «هر مسئله كه در نظرم دشوار می نمود از ابوجعفر (علیه السلام) می پرسیدم تا جایى كه سى هزار حدیث از او سؤال كردم.» امام باقر (علیه السلام) شیعیان خود را چنین وصف می كند: «همانا شیعه ما، شیعه على، با دست و دل گشاده و از سر گشاده دستى و بی ریایى از ما طرفدارى می كنند و براى زنده نگاه داشتن دین، متّحد و پشتیبان ما هستند. اگر خشمگین گردند، ستم نمی كنند و اگر خرسند باشند از اندازه نمی گذرند. براى آن كس كه همسایه آنان باشد بركت دارند و با هر كس كه با آنان مخالف باشد طریق مسالمت پیش می گیرند. و شیعه ما اطاعت خدا می كند.»

منبع: تبیان (برگرفته از کتاب سیره معصومان)